

# تحلیلی در لزوم جرم‌انگاری پول‌شویی (با نگاهی تطبیقی به مدل جرم‌انگاری پالایش)\*

- کرم جانی‌پور<sup>۱</sup>
- مختار معروفی<sup>۲</sup>

## چکیده

پول‌شویی به عنوان یکی از جرایم سازمان‌یافته، نقشی مؤثر در تداوم جرایم منشأ دارد. در واقع مرتکبان جرایم یادشده تنها از طریق پول‌شویی می‌توانند از عواید فعالیت‌های مجرمانه بهره‌مند شوند و چه بسا در ادامه فعالیت‌های غیر قانونی سرمایه‌گذاری کنند. با این توصیف تمرکز دقیق بر اینکه چرا پول‌شویی جرم‌انگاری می‌شود و چه ضرورت‌هایی جرم‌انگاری آن را توجیه می‌کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آثار نهفته در ماهیت این جرم از قبیل آسیب به امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، لزوم جرم‌انگاری پول‌شویی را توجیه می‌کند، اما این لزوم اگر در قالب خاصی از مدل‌های جرم‌انگاری قرار گیرد، به درک هر چه بهتر ضرورت جرم‌انگاری پول‌شویی کمک شایانی می‌کند. در واقع علت نیاز به این درک در غیر ملموس بودن آثار پول‌شویی برای افراد جامعه در

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۱.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات یاسوج (janiipour\_k@jauyasooj.ac.ir).

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول) (mmarofi@ut.ac.ir).

مقایسه با جرایمی چون قتل، سرقت و... است. از این رو، در این مقاله با استفاده از مدل جرم‌انگاری جاناتان شنشک تحت عنوان «پالایش یا صافی»<sup>۱</sup> و با انطباق فرایندهای این مدل با ویژگی‌های ذاتی پول‌شویی، تحلیلی در لزوم جرم‌انگاری آن ارائه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مدل جرم‌انگاری، پول‌شویی، پالایش، اصل ضرر یا صدمه، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی.

### مقدمه

آن‌گونه که جامعه‌شناسان حقوق مطرح کرده‌اند ساختار اقتصادی هر جامعه مسلماً در نظام حقوق آن منعکس خواهد شد (لوی برول، ۱۳۸۸: ۹۰). قوانین مربوط به حقوق کیفری و از جمله قوانین مربوط به جرم‌انگاری نیز از این مقوله مستثنا نیست. از این رو، تحول در موضوعات مربوط به نظام اقتصادی در حوزه جرم‌انگاری و بالخصوص جرم‌انگاری‌های مربوط به ساختار نظام اقتصادی جامعه مؤثر خواهد بود. اگر ارزشی که جوامع برای حق مالکیت قائل‌اند منتهی به جرم‌انگاری سرقت شده، ارزش مبادله عادلانه کالاها نیز می‌تواند باعث جرم‌انگاری جرایمی چون احتکار و ربا شود. بنابراین جرم‌انگاشتن عمل توسط حکومت که امروزه از طریق قوه مقننه صورت می‌گیرد نمی‌تواند بدون لحاظ عوامل اجتماعی باشد، از این روست که در تعریف جرم‌انگاری آن را فرایندی گزینشی دانسته‌اند که به موجب آن قانون‌گذار با لحاظ هنجارهای اجتماعی یا ضرورت‌های دیگر بر پایه مبانی نظری مورد قبول خود رفتاری را ممنوع یا الزامی می‌کند و برای حمایت از دستور خود ضمانت اجرای کیفری تعیین می‌کند (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ش ۳۰/۸). با توجه به این تعریف هرچند جرم‌انگاری و از جمله جرم‌انگاری پول‌شویی وابسته به اراده حکومت است، خود معلول عوامل دیگری است. برخی معتقدند که پول‌شویی در تاریخ زندگی بشر سابقه‌ای طولانی دارد و در قرن‌ها قبل مردم با روش‌های بسیار ابتدایی، اموالشان را از چشم‌های حسود و دست‌های ناپاک مخفی می‌کرده‌اند و مجرمان نیز همواره سعی در پاک جلوه دادن اموال خود داشته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۳۳۲). اما سؤالی که مطرح است و در این مقاله تلاش می‌شود به

1. Filtering.

آن پاسخ داده شود آن است که چرا با وجود سابقه تاریخی پول‌شویی، این عمل در گذشته جرم نبوده، اما امروزه اجماع بین‌المللی برای جرم‌انگاری آن وجود دارد؟

رویه عمومی کشورها را در حوزه جرم‌انگاری پول‌شویی می‌توان در سه قالب مطرح کرد (ساک، ۱۳۸۷: ۱۱)؛ برخی از کشورها پول‌شویی را جرم مستقل ندانسته و در واقع آن را تداوم جرم اولیه می‌دانند و از این رو مصادره و ضبط مال نامشروع را برای مبارزه با پول‌شویی کافی می‌دانند. برخی دیگر پول‌شویی را نوعی معاونت و تسهیل در امر جرم منشأ می‌دانند و با پول‌شویان به عنوان معاون جرم برخورد می‌کنند. گروه سوم از کشورها که در اکثریت قرار دارند و با گذر زمان بر تعداد آن‌ها نیز افزوده می‌شود، پول‌شویی را جرم مستقل از جرم منشأ دانسته و برای آن مجازات مستقل در نظر گرفته‌اند، حتی اگر مرتکب جرم منشأ و مرتکب پول‌شویی شخصی واحد باشد. با توجه به این سه رویه باید گفت که سابقه جرم‌انگاری پول‌شویی لااقل در برخی از مصادیق در گذشته نیز وجود داشته است و سؤالی را که قبلاً مطرح شد، باید به شکلی دقیق‌تر مطرح کرد و آن اینکه علت تعمیم جرم‌انگاری پول‌شویی از یک‌سو و از سوی دیگر جرم‌انگاری این عمل تحت عنوان خاص چیست؟

برای پاسخ به این سؤال اشاره به جرم مداخله در اموال مسروقه که می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق خاص پول‌شویی نیز تلقی شود مفید خواهد بود که در مقررات کیفری ایران نیز این عمل تحت ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است. به لحاظ جرم‌شناختی، مرتکبان سرقت بر خلاف مرتکبان برخی از جرایم دیگر نوعاً به صورت مکرر مرتکب این جرم می‌شوند و سارقان نیاز به اشخاصی دارند که اموال مسروقه را از آن‌ها گرفته و در عوض پول به آن‌ها بدهند. قانون‌گذار به این امر پی برده است و از این رو مؤثرترین راه مبارزه با سرقت را جلوگیری از خرید و فروش اموال مسروقه دانسته است. به تعبیر دیگر خریداران اموال مسروقه نقشی مهم در ایجاد انگیزه سرقت در سارقان داشته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲: ۳۱۵).

بنابراین شرایط ایجادشده در دهه‌های اخیر را باید علت ایجاد «احساس نیاز» به جرم‌انگاری مستقل پول‌شویی دانست. اما در این خصوص توجه به یکی دیگر از موضوعات مطرح درباره سیاست کیفری کشورهای مختلف اهمیت دارد و آن مقوله

«تورم کیفری» است که خود باعث گرایش به تدابیری چون کیفرزدایی و قضازدایی شده که هدف آن‌ها را باید در تحدید حقوق کیفری دانست. حال سؤال آن است که با وجود گرایش در سیاست جنایی به پاسخ‌های غیر کیفری، علل توجیه‌کننده لزوم جرم‌انگاری پول‌شویی چیست؟

زمینه‌هایی را که امروزه جرم‌زدایی درباره آن‌ها بیشتر مطرح می‌شود، در سه حوزه راهنمایی و رانندگی، برخی از رفتارهای مربوط به اختلافات خانوادگی و جرایم جنسی و جرایم اقتصادی و اجتماعی مطرح کرده‌اند (پردال، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۶). مسئله جرم‌زدایی از منظری دیگر در خصوص جرایم بدون بزه‌دیده مورد تأکید است (رهامی و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۳-۸۴). این در حالی است که پول‌شویی از یک سو جرم اقتصادی و از سوی دیگر جرم بدون بزه‌دیده است. با این حال بر خلاف رویکرد کلی نسبت به این دو دسته از جرایم در خصوص پول‌شویی گرایش به سمت جرم‌انگاری است. برای رفع تناقض ظاهری باید به اصول حاکم بر جرم‌انگاری و محدودیت‌های حاکم بر آن توجه داشت.

در واقع برای جلوگیری از سوءاستفاده دولت از ابزار کیفری در جهت حفظ و تحکیم پایه‌های قدرت خود، بهترین راهکار ایجاد الزام و محدودیت برای به کارگیری صحیح این ابزار در مسیر منافع و مصالح جامعه و ایجاد یک الگوی مناسب و چارچوب ساختارمند برای فرایند جرم‌انگاری است. از رهگذر این ضرورت در خصوص مدل‌های مطرح شده در زمینه جرم‌انگاری می‌توان به دو روش «توازن» و «پالایش» اشاره نمود. روش توازن، قدیمی‌ترین مدل برای فرایند جرم‌انگاری است که فینبرگ (Feinberg, 2005: 217) از آن یاد کرده است که در آن بر اساس موازنه گزینه‌ها به سنجش بار دلایل موافق و مخالف جرم‌انگاری در مورد فعل یا ترک فعل خاصی می‌پردازند (فرحبخش، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

جاناتان شنشک با مطرح کردن ایرادات این روش سنتی مدلی بدیع و پلکانی با عنوان «پالایش یا صافی» مطرح کرد که به طور تلویحی روش توازن را نیز در برداشت (Schonsheck, 1994: 64-70). طبق این روش زمانی که در صدد جرم‌انگاری رفتاری هستیم باید آن رفتار به طور متوالی و موفقیت‌آمیزی از سه فیلتر عبور کند تا فرایند

جرم‌انگاری اخلاقاً موجه جلوه کند و دولت در مظان اتهام خودکامگی و زیر پا گذاشتن آزادی‌های فردی قرار نگیرد. به عبارت دیگر عبور یک رفتار از فیلترهای سه‌گانه به معنای آن است که آن عمل دارای مجوز اخلاقی و قانونی جهت جرم‌انگاری است. فیلترهای مورد نظر شنشک عبارتند از: ۱. فیلتر اصول؛ ۲. فیلتر پیش‌فرض‌ها؛ ۳. فیلتر کارکردها. در ادامه ضمن تعریف اصول یادشده، این اصول با ویژگی‌های ذاتی پول‌شویی مقایسه و تطبیق داده خواهند شد.

### ۱. فیلتر اصول<sup>۱</sup> و پدیده پول‌شویی

اولین فیلتر در مدل جرم‌انگاری «پالایش»، فیلتر اصول است که مرحله آغازین فرایند موجهه جرم‌انگاری و در واقع مبین اصول و ارزش‌های جامعه است که بر اساس آن حتی می‌توان آزادی‌های فردی را محدود کرد. بدیهی است که این اصول بر اساس مبانی ارزشی و هنجاری هر جامعه شکل می‌گیرد و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. در نتیجه، این لایه «فرایند تصمیم‌گیری را به فلسفه حقوق و بن‌ساخت‌های حقوقی وصل می‌کند» (محمودی‌جانکی، ۱۳۸۲: ش ۳۰۹/۸)، اما نقطه اشتراک این اصول، تعیین محدوده دخالت دولت در آزادی‌های فردی است. به عبارت دیگر،

اصول محدودکننده آزادی<sup>۲</sup> حد و مرز دخالت دولت را در منطقه آزاد رفتاری شهروندان ترسیم می‌کند و در صدد برقراری تعادل و توازن بین منطقه آزاد رفتاری و قلمرو اقتدار دولتی برمی‌آید، هرچند دولت با اتکا به آن اصول می‌تواند آزادی‌های فردی را به نحو مشروع محدود نماید، وانگهی تجاوز از اصول به معنی تعرض به آزادی‌های انسانی است و فاقد هر گونه مشروعیت و وجاهت اخلاقی است (فرح‌بخش، ۱۳۸۹: ۲۱۷).

اصول محدودکننده آزادی بسیارند. برای نمونه می‌توان به اصل صدمه، اصل مزاحمت به دیگری و اصل اخلاق‌گرایی اشاره کرد.

بنابراین اگر پدیده پول‌شویی به طور معقولی از این صافی عبور کند، بیانگر این امر

1. The principles filter.  
2. Liberty-limiting principles.

است که سزاوار کنترل و نظارت اجتماعی است و جامعه می‌تواند نسبت به آن رفتار واکنش نشان دهد. با تمهید مراتب یادشده، در ادامه گامی در تطبیق ماهیت پول‌شویی و درجه نقض کنندگی آن در فیلتر اصول برداشته می‌شود.

### ۱-۱. اصول حاکم بر جرم‌انگاری پول‌شویی

در ابتدا به محض ورود ممنوعیت عملی در سیاهه قوانین، مباحث کیفری آن مانند: شرایط ارتکاب، ادله اثبات و میزان مجازات و مسائل دیگر مطرح می‌شود. اما از نگاه جرم‌شناسی علت شناختی باید یک گام به عقب برگردیم و این سؤال را مطرح کنیم که قانون‌گذار بر مبنای چه اصول و معیارهایی این عمل را جرم‌انگاری کرده است؟ خاستگاه این سؤال در «اصل آزادی انسان» در ارتکاب اعمال نهفته است و اینکه اعمال محدودیت از طریق جرم‌انگاری، استثنایی بر این اصل محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> بدین ترتیب می‌توان نوعی پیش‌فرض به نفع آزادی در نظر گرفت و گفت که هر گونه پیشروی در فضای آزاد رفتاری شهروندان و افزودن بر منطقه الزام و کنترل شده رفتاری آن‌ها در پرتو جرم‌انگاری برخی اعمال، نیازمند توجیهات و دلایل قوی است (حبیب‌زاده و زینالی، ۱۳۸۵: ۱/۱۲۵).

همه نخله‌های فکری و مکاتب فلسفی، تحدید آزادی را برای تأمین و تضمین بقای خود آزادی فردی و نیز امکان حیات و زندگی اجتماعی پذیرفته‌اند با این تفاوت که در تعیین حد آزادی، در نوع قدرت محدودکننده آزادی و مشروعیت آن و چگونگی شکل‌گیری آن اختلاف نظر داشته‌اند (محمودی جانکی، ۱۳۸۶: ۱/۱۱۸). بدین ترتیب هر جامعه با توجه به ریشه‌های ساختاری و تکوینی خویش و مبانی مشروعیت‌بخش به اقدام دولتی در ایجاد محدودیت برای آزادی فردی، اصولی را در به کارگیری این محدودیت‌ها مدنظر قرار می‌دهد. اینکه این اصول کدام‌اند، اتفاق نظر وجود ندارد، اما

۱. مبنای چنین اصلی که نظریه‌پردازان غربی محور تفکر و اندیشه خود قرار داده‌اند، در فقه اسلامی با عنوان «اصل اباحه» نام‌گذاری شده است، چنان که در روایات اسلامی اشاره شده است: «کُلّ شیء لک حلال حتّی تعلم أنّه حرام» (کلینی، ۱۴۲۱: ۴۳۵). باری تفاوت در اینجاست که در اندیشه‌های غربی، دولت با قید و شرط‌هایی حق ایجاد این محدودیت را دارد، ولی در قرائت اسلامی از این اصل، خالق یکتای هستی، تنها فرد اصلح برای اعمال این محدودیت‌هاست.

در سنت فلسفی و حقوقی غربی یکی از مهم‌ترین اصولی که از آن‌ها با عنوان «اصول محدودکننده آزادی» و «اصول مشروعیت‌بخش اجبار»<sup>۱</sup> یاد می‌شود، «اصل ضرر» است که در بسیاری از نظام‌های حقوقی، مبنایی معقول برای تحدید آزادی فردی و امکان مداخله قدرت عمومی و نه لزوماً اقدام کیفری پذیرفته شده است (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ش ۱۲۱/۸). این اصل که به اصل صدمه نیز شهرت دارد در فقه اسلامی به «قاعده لاضرر» معروف است (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۱۵۱) با این تفاوت که گستره به کارگیری آن محدودتر از اصل صدمه در قرائت لیبرالیستی از آن است. علاوه بر اینکه موارد به کارگیری قاعده لاضرر در فقه اسلامی، در حقوق خصوصی متعین شده است، در حالی که مبنای هنجاری این اصل فراخ‌تر از حوزه حقوق خصوصی است و در امور کیفری هم می‌توان بدان متوسل شد. اصل دیگری که سرلوحه عمل دولت‌ها در ایجاد محدودیت برای آزادی‌های فردی می‌باشد، «اصل امنیت» است (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ش ۱۷۱/۸) که به بهانه آن -از شکل سنتی که صرفاً در حفظ تمامیت ارضی و حیات خلاصه می‌شد تا شکل جدید و امروزی آن- مستمسکی در دست حکومت‌ها برای تعیین قلمرو اقتدار خویش بوده است که در مطالب بعدی به شرح و تبیین این دو اصل، به عنوان اصلی‌ترین اصول نقض شده در انطباق با فیلتر اصول در فرایند موجهه جرم‌انگاری پول‌شویی پرداخته خواهد شد.

### ۱-۱-۱. اصل ضرر به دیگری<sup>۲</sup>

اصل صدمه یا ضرر به دیگری در تعامل و ارتباط افراد جامعه با یکدیگر خودنمایی می‌کند. قلمرو زندگی اجتماعی که نافی تمامیت‌طلبی شخصی است، اعضای جامعه را به انجام رفتار بدون ایراد صدمه به دیگری ملزم می‌کند. اصل صدمه به عنوان مشهورترین اصل محدودکننده آزادی افراد جامعه، نخستین بار توسط جان استوارت میل<sup>۳</sup> مطرح شد. او به اقتضای نگرشش به آزادی و ضرورت وجود آن برای خودشکوفایی انسانی، اصل صدمه را یگانه اصل مشروعیت‌بخشی می‌داند که به موجب آن، افکار

1. Coercion legitimizing principles.
2. The principle of harm to others.
3. John Stuart Mill.

عمومی یا قدرت عمومی می‌تواند از راه اجبار یا نظارت، رفتار آدمی را کنترل کند (میل، ۱۳۸۴: ۳۴).

از نظر میل، دولت هنگامی مجاز به ورود به منطقه آزاد رفتاری شهروندان است که اصل صیانت ذات، به خطر افتاده باشد و این اصل، زمانی به خطر می‌افتد که رفتار شهروندان، موجبات ضرر به دیگری را فراهم آورد. با تأمل و تعمق در آرای میل یک خلأ و نقطه ابهام<sup>۱</sup> در مباحث مربوط به اصل صدمه احساس می‌شود که وی به آن پرداخته و فینبرگ آن را این‌گونه برطرف نموده است: اگر می‌خواهیم اصل ضرر موجبات دخالت بی‌اندازه دولت را در پی نداشته باشد، باید برای «شدت» ضرر ملاکی به دست دهیم. چه بسا هر نوع رفتار آدمی می‌تواند متضمن ضرری به دیگری باشد، ولی آیا این مقدار برای تعیین مرز کیفردهی کافی است؟ بی‌تردید جواب منفی است. بدین ترتیب، فینبرگ اصل ضرر را در اعمالی احصا می‌کند که در صورت بروز، سزاوار عنوان مجرمانه هستند:

۱- اعمالی که ضرر خاصی را نسبت به فرد یا گروهی خاص ایجاد کنند؛

۲- خطر غیر متعارفی که ایجاد ضرر را در پی داشته باشد، همچون رانندگی همراه با بی‌پروایی؛

۳- اعمالی که به فضای عمومی جامعه، محیط زیست، اقتصاد و... ضرر وارد کند (Feinberg, 2005: 12).

در واقع محور بحث در مورد جرم‌انگاری پول‌شویی به دسته سوم از تقسیم‌بندی فینبرگ برمی‌گردد؛ یعنی اعمالی که دو ویژگی اساسی دارند که از سایر اعمال مجرمانه متمایز می‌شوند: اول اینکه این اعمال به کل جامعه ضرر وارد می‌کنند و قربانی خاص ندارند و دیگر اینکه آگاهی از وقوع این اعمال بسیار دشوار است (Elliott & Quinn, 2003: 4).

### ۱-۱-۲. اصل امنیت<sup>۲</sup>

امنیت در نگاه سنتی به ویژه از نظرگاه دولتمردان در به کارگیری ابزار نظامی، حفظ

1. The lacuna.

2. Principle of security.

تمامیت ارضی و دفاع از حیات افراد جامعه خلاصه می‌شد. آن‌چنان که هابس معتقد است: «صلح و امنیت برای رهایی از ترس دائمی از مرگ و ابتلائات فیزیکی و جسمی است». اما کم‌کم با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، امنیت مفهومی موسع به خود می‌گیرد و نه تنها امنیت فیزیکی و ملموس، بلکه آسایش روانی افراد جامعه را در ابعاد مختلف زندگی نیز به همراه دارد (بازارکاد، ۱۳۷۶: ۶۶۸؛ محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ش ۱۷۳/۸).

بدین ترتیب، در قرون گذشته، امنیت بیشتر معطوف به حمایت از جامعه در قبال تجاوز بیگانگان می‌شد، بدین معنا که دولت‌ها برای ایجاد امنیت شهروندان خود، اقدامات توسعه‌طلبانه بیگانگان را محدود می‌کردند، اما در مفهوم جدید امنیت، دولت‌ها با بیگانگان داخلی نیز مواجه‌اند. به عبارت دیگر، دولت‌ها برای تحصیل امنیت شهروندان، باید با رفتارهای انحرافی قلبی که امنیت کثیری را بر هم می‌زنند، مقابله کنند. در واقع به مفهوم کنونی، امنیت مانند اصل صدمه، مستمسکی برای مشروعیت و مقبولیت ورود دولت در منطقه آزاد رفتاری شهروندان و ایجاد محدودیت برای تأمین امنیت آنان است. بنابراین امنیت دارای سلسله مراتب و سطوح مختلفی است که متناسب با این تقسیم‌بندی‌ها، دولت‌ها تدابیر تحدیدی ویژه‌ای را اتخاذ می‌کنند. از مهم‌ترین سطوح امنیت می‌توان به امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی اشاره کرد که در هر سطح، واکنش دولت‌ها علیه عامل ناامنی متفاوت است.

### ۳-۱-۱. اخلاق‌گرایی قانونی

مباحث فراوانی در نقض اخلاق در جامعه و حمایت دولت با پشتوانه کیفری از آن روی داده است و جدال بین اخلاق‌گرایان که طرف‌دار حقوق طبیعی هستند و واقع‌گرایان پوزیتیویست که اخلاق را به مسلخ تمایل جمعی اجتماع می‌برند، پایان‌ناپذیر است (فروغی، ۱۳۸۳: ۳۸). در دو بند گذشته دو اصل ضرر و امنیت بررسی شد که فحوی آن دو، در علل توجیه مداخله دولت در جرم‌انگاری پول‌شویی بود. اینک از دیدگاهی متفاوت به تحلیل پرداخته می‌شود. از این دیدگاه به منظر مردم جامعه مراجعه می‌شود، از این حیث که اخلاق حاکم بر رفتارهای مردم چگونه نقض می‌شود.

بنابر این جرم‌انگاری پول‌شویی را می‌توان از منظر اخلاق‌گرایی قانونی نیز مورد

بحث قرار داد. جرم‌انگاری پول‌شویی از این منظر مستلزم توجه به رابطه بین حقوق و اخلاق است. پیوند بین اخلاق و حقوق را می‌توان در اندیشه‌های مربوط به حقوق طبیعی و فطری جستجو کرد و البته با گرایش به رویکرد پوزیتیویستی به حقوق در دوران مدرن، این پیوند تا حدی کم‌رنگ شده است. تناقض زمانی می‌تواند طرح شود که حقوق به انجام کاری امر کند که اخلاق آن را ممنوع دانسته است (وکیو، ۱۳۸۶: ۴۷). از این رو اگر بپذیریم که یک عمل مفروض، موافق با اصل سلوکی (اخلاقی) است، از این طریق پذیرفته‌ایم که نباید هیچ عمل ناسازگار دیگری با آن از طرف فردی دیگر انجام شود. آنچه که یک فرد مجاز به انجام آن است نباید از طرف فردی دیگر مورد ممانعت واقع شود (همان: ۳۴).

طرف‌داران اخلاق‌گرایی قانونی استدلال می‌کنند که حمایت از اخلاق عمومی و جامعه نیز از وظایف دولت است و حتی برخی آن را تنها وظیفه حقوق کیفری قلمداد کرده‌اند (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ش ۸/۲۴۰). بر اساس این نظریه، صرف غیر اخلاقی بودن رفتار برای جرم‌انگاری آن کافی است. در این راستا بکاریا از بنیان‌گذاران حقوق جزای نوین بیان می‌دارد که آدمیان برای تخلفاتی که تصور می‌کنند ممکن است لطمه‌ای به آنان وارد سازد آن‌قدر اهمیت قائل نیستند تا این تخلفات موجب برانگیختگی نفرت عموم نسبت به مرتکب آن شود (بکاریا، ۱۳۸۶: ۱۰۷). برای اثبات قابلیت جرم‌انگاری پول‌شویی بر مبنای نظریه اخلاق‌گرایی قانونی، باید ثابت شود که پول‌شویی، کاری غیر اخلاقی است. اگر توجه داشته باشیم که پول‌شویی تصرف در اموالی است که از یک عمل مجرمانه ناشی شده است و با نیت احسان یا حالت ضرورت و یا مسائلی از این قبیل که می‌تواند تحت شرایطی، مداخله بدون اذن در اموال دیگران را تجویز کند انجام نمی‌شود، در قبح اخلاقی آن تردید نخواهیم کرد.

موضوع جرم پول‌شویی عواید حاصل از جرم است و البته این عواید اعم از آن است که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از فعالیت‌های مجرمانه حاصل شده باشد و از سوی دیگر، این جرم از جرایم عمدی بوده و علم مرتکب به منشأ نامشروع مال ضروری است که این علم در صورتی که مرتکب جرم منشأ باشد و در خصوص سایر اشخاص نیازمند اثبات است (بابایی کنگلو و رستمی غازانی، ۱۳۸۹: ش ۱۰/۱۱۳). مصادیق عمدی تجاوز

به اموال دیگران از گذشته‌های دور در قالب ممنوعیت‌هایی چون، سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... جرم‌انگاری شده بود و با همان مبنا می‌توان این را به جرم‌انگاری پول‌شویی نیز تعمیم داد.

## ۲-۱. تبیین جرم‌انگاری پول‌شویی

پدیده پول‌شویی از جرایم مدرن در عصر اقتصاد دیجیتال است که به دلیل ابعاد پیچیده و آثار منفی بر اقتصاد ملی، دارای ویژگی‌های خاصی است. در واقع پدیده جهانی شدن امور مالی و ارتباط بازارهای مالی و سرمایه‌ای در گسترش این جرم مؤثر بوده است و چنان اهمیتی پیدا کرده که بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های جهانی سعی در پیشگیری از فراگیر شدن آن در سطح ملی و بین‌المللی دارند (Kenawy, 2002: 1256). از آنجا که پول‌شویی اولین اثر مشهود خود را در اقتصاد جامعه نشان می‌دهد، در ادامه به بررسی و واکاوی چگونگی صدمه زدن آن به امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پرداخته می‌شود.

### ۱-۲-۱. ایراد صدمه به امنیت اقتصادی

قبل از ورود به بحث صدمات پول‌شویی به امنیت اقتصادی، ابتدا به بررسی معنا و مفهوم پول‌شویی می‌پردازیم. تعاریف مختلف و متنوعی از عملیات پول‌شویی توسط نهادهای بین‌المللی ارائه گردیده است. در یک عبارت ساده می‌توان پول‌شویی را عملیاتی دانست که به موجب آن، ماهیت غیر قانونی و غیر مشروع پول و عواید حاصل از جرم، مخفی و پنهان می‌شود تا بعد از عملیات تطهیر، کاملاً قانونی و مشروع جلوه داده شود. در واقع پول‌شویی فرایندی مرکب است و شامل سه مرحله مکان‌یابی، لایه‌گذاری و در هم آمیزی است. بنابراین از چند مرحله‌ای بودن عملیات پول‌شویی می‌توان به ویژگی سازمان‌یافتگی این جرم پی برد. فارغ از شیوه‌های ارتکاب عملیات پول‌شویی، بررسی جامع و فراگیر درباره آثار سوء آن در عرصه اقتصاد، بدون تفکیک منسجم بخش‌های مختلف اقتصاد مقدور نیست؛ چه بسا لایه‌های زیرین اقتصاد که در واقع بسترهای شکل‌دهنده آن می‌باشند، بیشتر از سایر ناحیه‌ها صدمه ببینند، در حالی که به طور ملموس، مشهود نیست و صرفاً با جابه‌جایی صدمه به بخش بالاتر، آثار سوء این

فرایند را غیر مستقیم جلوه می‌دهد. بنابراین با تقسیم اقتصاد به بخش‌های واقعی، عمومی، پولی و مالی، صدمات پول‌شویی به امنیت اقتصادی را واکاوی می‌نماییم.

### ۱-۲-۱. صدمه به بخش واقعی اقتصاد

منظور از بخش واقعی اقتصاد، شاخه‌های کلیدی شکل‌دهنده آن است. این شاخه‌های کلیدی که در واقع هدایت اقتصاد را به عهده دارند، پایه‌های اقتصاد یک جامعه را شکل می‌دهند (عزیزنژاد و توتونچی ملکی، ۱۳۸۶: ش ۱۵۵/۵۸). اساس تعادل اقتصاد در موزون بودن عرضه و تقاضاست. به عبارت دیگر، در روند طبیعی قیمت بازار، عرضه و تقاضای کالاها به طور مداوم نوسان دارند تا به قیمت تعادلی و ثبات بازار ختم شوند. بنابراین درآمدهای حاصل از جرایم که در خارج از چرخه اقتصاد جامعه به وجود آمده، طی عملیات پول‌شویی، به داخل اقتصاد در قالب خرید و فروش اموال مورد نظر مجرمان تزریق می‌شوند که نتیجه آن افزایش یک‌باره و بدون توجه حجم نقدینگی است که منجر به بالا رفتن تقاضا و پایین آمدن عرضه می‌شود و نهایتاً کاهش قدرت خرید مردم و بالا رفتن نرخ تورم را در پی دارد.

بنابراین فرمولی که در عملیات پول‌شویی، محاسبات و مناسبات اقتصادی را به هم می‌ریزد، جز این نیست که اگر اقتصاد یک جامعه را به مثابه یک مجموعه منسجم در نظر بگیریم که ورودی و خروجی معین و کنترل‌شده‌ای دارد، عواید حاصل از پول‌شویی که در مجموعه اقتصاد تولید نشده و جزء ورودی اقتصاد نیست، دفعتاً و بدون رعایت تناسب در به کارگیری، وارد چرخه اقتصاد شده و چون از سیطره کنترل نهادهای کنترلی (دولت یا بخش خصوصی) خارج است، موجب ایجاد اختلال و صدمه جبران‌ناپذیر می‌گردد. از این دست موارد می‌توان به تغییر در مصرف و سرمایه‌گذاری اشاره کرد، به این صورت که پول‌شویان در باب انتخاب محل‌های سرمایه‌گذاری به بهره‌وری بیشتر توجه نکرده بلکه به مسائل امنیتی در مورد عدم کشف و آسانی سرمایه‌گذاری می‌اندیشند که بر این عمل، تمرکز سرمایه در بخش غیر مفید اقتصاد و به کلام ساده‌تر رشد بی‌رویه یک بخش غیر ضروری و ضعف بخش ضروری است. در همه موارد، فرمول اشاره‌شده پیاده می‌شود، فقط تفاوت در نوع

بخش و نحوه عملکرد است. از این رو می‌توان به گسترش رقابت ناعادلانه و افزایش قیمت‌ها، بر هم خوردن تعادل تجارت خارجی، تأثیر منفی بر توزیع درآمد، تولید و اشتغال و... اشاره کرد.

### ۲-۱-۲-۱. صدمه به بخش عمومی اقتصاد

در تعریف بخش عمومی اقتصاد می‌توان گفت بخشی است که نفع آن مستقیماً به عموم افراد جامعه برمی‌گردد، مثلاً با جمع‌آوری هزینه‌های تحمیل‌شده بر همه افراد جامعه، دولت در پی توزیع آن به صورت خدمات در بین مردم است یا با کم کردن دخالت خود در عرصه اقتصاد و محدود کردن آن به نظارت، خواهان مشارکت حداکثری عموم مردم در قالب شرکت‌های خصوصی است. تغییر اقتصادهای دولت‌محور به خصوصی‌سازی امروزه مشهود است و هدف دولت از واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی و باقی ماندن در حد ناظر، ایجاد فضای رقابتی با هدف رشد و پیشرفت شرکت‌های خصوصی و در نهایت اقتصاد جامعه است. حال صدمه پول‌شویی به این رویه چیست؟ فرض کنید پول‌شویی در قالب یک شرکت خصوصی وارد عرصه اجتماع می‌شود. آیا مجرمانی که پول را از راه نامشروع به دست آورده‌اند، حاضرند اهداف دولت را دنبال کنند یا با باندبازی و آشناسالاری سعی در پیشبرد اهداف شوم خود، یعنی تسهیل و بسترسازی برای ادامه فعالیت‌های مجرمانه دارند. در اینجا لازم است به روش‌های پول‌شویی که از طریق بخش اقتصادی جامعه انجام می‌شود اشاره شود. با توجه به تنوع روش‌های کسب سود از اعمال مجرمانه، روش‌های تصفیه پول نیز پیچیده و متنوع خواهد بود. به عبارت دیگر، روش‌های پول‌شویی، به عواملی چون نوع جرم ارتكابی، نوع سیستم اقتصادی و قوانین و مقررات کشوری که در آنجا پول تصفیه می‌شود بستگی دارد. معمولی‌ترین و مهم‌ترین روش‌های پول‌شویی به شرح زیر است (اسعدی، ۱۳۸۲: ۲۵۵):

۱. پول‌شویان برای کاهش جلب توجه مجریان قانون به عملیات پول‌شویی، مبالغ زیادی از پول نقد حاصل از جرم را به مقادیر کوچک تبدیل کرده و به طور مستقیم در بانک‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌کنند یا با ابزارهای پولی و مالی مانند چک و

سفته در مکان‌های دیگر سرمایه‌گذاری می‌کنند؛

۲. سرمایه‌گذاری موقت در بنگاه‌های تولیدی و تجاری قانونی؛

۳. سرمایه‌گذاری در بازار سهام و اوراق قرضه؛

۴. سرمایه‌گذاری در بازار طلا، الماس و جواهرات؛

۵. ایجاد سازمان‌های خیریه قلبی؛

۶. شرکت در مزایده‌های دولتی؛

۷. تأسیس شرکت‌های تجاری قانونی.

بنابراین در صورتی که پول‌های کثیف با استفاده از این روش‌ها، در فعالیت‌های قانونی وارد شده و سرمایه‌گذاری شوند، در طول گردش و دست به دست شدن با پول‌های تمیز مخلوط می‌شوند، به طوری که دیگر شناسایی آن‌ها ممکن نیست.

#### ۳-۱-۲-۱. صدمه به بخش پولی اقتصاد

عملیات پول‌شویی با تزریق مقادیر زیادی پول نامشروع که خارج از سیستم اقتصادی تولید شده است، تقاضای پول را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در حالی که در ابتدا نرخ تقاضای پول را افزایش می‌دهد، در بلندمدت، سیر مطالبات پولی به نحو آشکاری معکوس می‌شود و کاهش می‌یابد. یعنی می‌توان تخمین زد که ده درصد افزایش در میزان جرم، شش درصد کاهش را در تقاضای پول به همراه دارد (Quirk, 1997: 3). بنابراین در اثر پول‌شویی، تقاضای پول کاهش می‌یابد و این امر با تأثیر بر بازار پول، نرخ بهره و بازار ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه، نرخ ارز و نرخ سود بانکی دچار نوسانات شدید می‌شود که با ادامه این نوسانات در بلندمدت بازار دچار عدم ثبات اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، پول‌شویان با تأسیس مؤسسات مالی برای وارد کردن آن پول‌ها به جریان اقتصادی جامعه، به دنبال عدم جلب توجه می‌باشند و بدین منظور حتی برای جلب اعتماد عمومی، زیر نرخ سود بانکی مصوب وام می‌دهند.

#### ۳-۱-۲-۱. صدمه به بخش مالی اقتصاد

هنگامی که حجم پول‌های در گردش در چرخه اقتصاد افزایش یابد، میزان وام‌دهی به طور ناخودآگاه افزایش می‌یابد. این امر سبب افزایش وام‌های با ریسک بالا می‌شود

که بازگشت سرمایه در آینده را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. همچنین اگر پول‌های کثیف که در بانک‌ها گذاشته شده، به یک‌باره بیرون کشیده شود، بانک‌ها در اعطای تسهیلات مالی با مشکل مواجه می‌شوند (عزیزنژاد و توتونچی ملکی، ۱۳۸۶: ش ۱۶۴/۵۸). از سوی دیگر، در بُعد سرمایه‌گذاری خارجی نیز با افزایش عملیات پول‌شویی در یک کشور، جرایم سازمان‌یافته نیز در آن کشور افزایش می‌یابد؛ زیرا می‌دانیم که عواید حاصل از جرم بعد از طی فرایند تطهیر، دوباره برای تقویت و تشدید ارتکاب اعمال جرایم منشأ به کار گرفته می‌شود که این مهم می‌تواند منجر به افزایش فساد اداری و قضایی شود که خطر سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش می‌دهد.

در پایان، از حیث اصل صدمه می‌توان برخی از آثار پول‌شویی بر امنیت اقتصادی را چنین نام برد:

۱. ارتفاع مرتکبان پول‌شویی به طور مستقیم و کوتاه‌مدت در بخش غیر واقعی اقتصاد؛

۲. کاهش تولید، درآمد و اشتغال که جزء بخش واقعی اقتصاد است؛

۳. کاهش رشد اقتصادی؛

۴. برهم خوردن امنیت و ثبات اقتصادی (همان: ۱۶۸).

پول‌شویی از جمله موانع اصلی در راه تحقق امنیت اقتصادی، ایجاد شفافیت مالی و حکومت قانونی محسوب می‌شود. در هر یک از چهار بخش اصلی اقتصاد، نحوه و میزان ورود صدمات پول‌شویی بر پیکره امنیت اقتصادی نمایان شد، اما پیامدهای آن به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه در ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز آثار منفی دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

#### ۱-۲-۲. ایراد صدمه به امنیت اجتماعی

بی‌تردید بیشتر جرایم با انگیزه‌های اقتصادی رخ می‌دهند، اما همه پیامدهای آن‌ها به اقتصاد جامعه ختم نمی‌شود بلکه در بستر جامعه خود را نشان می‌دهد؛ شبکه‌های پول‌شویی برای تسهیل فعالیت‌های خود به فساد می‌پردازند. این فساد می‌تواند در مؤسسات مالی و مأموران ناظر و حتی نیروی دولتی صورت گیرد. پول‌شویی موجب انباشت سرمایه در یک طبقه خاص می‌شود که کم‌کم باعث ایجاد شکاف طبقاتی

عمیق در جامعه می‌گردد (ساک، ۱۳۸۷: ۱۱۲). بنابراین فرایند پول‌شویی یک فرایند ثانویه است؛ بدین معنا که پس از ارتکاب جرم اول (ترور، سرقت، قاچاق و...)، جنایت کاران برای قانونی جلوه دادن درآمدهای نامشروع خود دست به اعمالی می‌زنند که به عنوان پول‌شویی پذیرفته شده است. به عبارت بهتر، هر گاه با فرایند پول‌شویی مقابله شود به نحو تأثیرگذاری با تقویت و تشدید جرایم منشأ و در نهایت اخلال در امنیت اجتماعی مقابله شده است.

در واقع همه آثاری که در بخش اقتصاد اشاره شد، با عینیت یافتن در جامعه، یک معضل اجتماعی به وجود می‌آورد، برای نمونه تأثیر پول‌شویی در اشتغال‌زایی را در نظر بگیرید، بیکاری یا ایجاد مشاغل کاذب در جهت تسهیل امر پول‌شویی چقدر می‌تواند به امنیت اجتماعی یک جامعه ضربه بزند؟ مثال دیگر جرم قاچاق مواد مخدر است که به عقیده بیشتر نویسندگان یکی از مهم‌ترین جرایم منشأ پول‌شویی است (اسعدی، ۱۳۸۲: ۲۸۲) و ضربه نهایی به چه قشری از جامعه وارد می‌شود؛ جوانان بیکار که فشارهای اجتماعی و خانوادگی، آن‌ها را به سمت مصرف این مواد سوق می‌دهد.

بنابراین پول‌شویی یک جامعه سالم را به عرصه تنازع بقا تبدیل می‌کند؛ آرام آرام مردم نیز از دولت و هیئت حاکمه ناامید می‌شوند که این سلب اعتماد مردم، بیانگر میزان مشروعیت نظام یا مقبولیت آن است که بیشتر رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرد.

### ۱-۲-۳. ایراد صدمه به امنیت سیاسی

آخرین سطح تأثیرگذاری پول‌شویی در جامعه، سطح سیاسی است؛ زیرا تقریباً رکن سیاسی جامعه آخرین مرحله اثرپذیر است، در حالی که اولین نهادی است که می‌تواند از وقوع جرم پول‌شویی آگاهی یابد. در ادامه به مواردی که امنیت سیاسی جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهد، اشاره می‌کنیم:

#### ۱-۲-۳-۱. ویژگی سازمان‌یافتگی

جرایم سازمان‌یافته، خطری مضاعف دارند؛ زیرا سازمان‌یافته بودن جرم برای مجرمانی که عضو آن سازمان هستند، امتیازاتی به همراه دارد؛ چون گروه‌های سازمان‌یافته تبهکار

با استفاده از درآمدهای نامشروع خود در لایه‌های مختلف کشورها ریشه دوانیده و به فساد می‌پردازند (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ش ۱۱۳/۱). نفوذ در دستگاه‌های تصمیم‌گیر و فشار و تهدید آنان در جهت برنامه‌ریزی هماهنگ با اهداف مجرمانه آنان یکی دیگر از آثار سوء سازمان‌یافتگی این جرم است.

#### ۲-۳-۲-۱. تخریب مشروعیت سیاسی

عملیات پول‌شویی سبب سلب اعتماد مردم به حاکمیت می‌شود. در این شرایط سیاست به آشوب تبدیل می‌شود و افراد و گروه‌هایی که خود را در اشتراک با دیگران ناتوان و ناچیز می‌بینند دست به شورش می‌زنند. در واقع، تضاد طبقاتی ایجاد شده در اثر فعالیت‌های مجرمانه، سبب ایجاد نفرت طبقه ضعیف جامعه از طبقه مرفه می‌شود و چون مردم نمی‌توانند نسبت به آن‌ها اعتراضی داشته باشند به تخریب آثار دولتی و ایجاد هرج و مرج سیاسی می‌پردازند.

#### ۲-۳-۲-۱. نفوذ در کرسی‌های سیاسی

گروه‌های سازمان‌یافته با نفوذ در کرسی‌های نمایندگی - از راه‌هایی همچون حمایت مالی یک نامزد و تعهد نماینده مذکور مبنی بر تلاش برای تصویب قوانین هماهنگ با اهداف مجرمانه سازمان مورد نظر، یا تأثیرگذاری در روند انتخابات با به کارگیری منابع ناشی از پول‌شویی - به درون تشکیلات سیاسی راه یافته و زمینه مساعد برای فعالیت‌های خود را فراهم می‌آورند.

#### ۲-۳-۲-۱. ایجاد فساد در دستگاه‌های اداری

پول‌شویان به وسیله سرمایه هنگفت به دست‌آمده از طریق جرایم منشأ مانند قاچاق مواد مخدر، ارتشا، اختلاس، قاچاق انسان، فحشا و... در دستگاه‌های اداری و قضایی نفوذ کرده، با فاسد کردن قضات و مأموران مربوطه از اعمال عدالت کیفری جلوگیری می‌کنند. از طرفی با فرار مالیاتی خود از این طریق یعنی تطمیع و فاسد کردن مأموران تصمیم‌گیرنده، سبب کاهش سرمایه دولت و در نتیجه تنزل قدرت دولت در اعمال حربه‌های اقتصادی علیه آنان می‌شوند.

در پایان با انطباق آسیب‌های فرایند پول‌شویی درمی‌یابیم که این عملیات برای یک جامعه به عنوان یک کل اندام‌وار زیان‌های فراوانی دارد که اصول اساسی جامعه را نقض می‌کند. در پیش‌فرض آتی به این نکته می‌رسیم که آیا راه حل نهایی برای مبارزه با پول‌شویی جرم‌انگاری آن است یا خیر؟

۲. فیلتر پیش‌فرض‌ها،<sup>۱</sup> جرم‌انگاری پول‌شویی به عنوان راه حل نهایی در این مرحله قانون‌گذار برای مقابله با رفتار، نخست راهکارهای غیر کیفری مانند اقدام‌های مدنی، اداری، انضباطی را مدنظر قرار می‌دهد و از سایر ابزارهای کنترل اجتماعی بهره می‌جوید و چنانچه برای جلوگیری رفتار مناسب باشند، آن‌ها را انتخاب می‌کند و جرم‌انگاری را رها می‌کند. در حقیقت بر اساس فیلتر پیش‌فرض‌ها «روش‌هایی که واجد کمترین مزاحمت برای فرد است و کمتر جنبه آمرانه دارد، نسبت به روش‌هایی که مزاحمت بیشتری برای او فراهم می‌کند، ارجح است» (حبیب‌زاده و زینالی، ۱۳۸۵: ش ۱/۱۳۴). بدین معنا که دولت برای مقابله با رفتاری که از صافی اول عبور کرده باید به چنان استیصالی رسیده باشد که به کارگیری همه راه‌های غیر قهرآمیز محکوم به شکست شده و دولت چاره‌ای جز جرم‌انگاری رفتار نداشته باشد. در واقع، ششک با این صافی می‌خواهد توسل به حقوق کیفری را به عنوان راه حل نهایی<sup>۲</sup> برگزیند و ابزارهای رسمی غیر کیفری کنترل اجتماعی را مقدم بدارد. علت این تقدم و تأخر صرفاً پرهزینه بودن جرم‌انگاری برای دولت و اجتماع است (فرح‌بخش، ۱۳۸۹: ۲۱۸). بنابراین صافی پیش‌فرض‌ها در این بیان بنتمام نمود می‌یابد که می‌گوید:

در مواردی مجازات بی‌خاصیت است، جایی که موجب پیشگیری نباشد و هنگامی که بدی بدون اعمال کیفر هم قابل پیشگیری باشد (Bentham, 1943: 160-164).

پول‌شویی از جرایمی است که از آن‌ها به جرایم بدون بزه‌دیده تعبیر می‌شود. البته باید توجه داشت که جرم بدون بزه‌دیده وجود ندارد و هر جرمی خواه ناخواه بزه‌دیده مستقیم یا غیر مستقیم دارد. لذا تعبیر صحیح، «جرایم فاقد بزه‌دیده مستقیم» است

1. The presumptions filter.
2. Last resort.

(رهامی و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۲). در این جرایم به علت فقدان بزه دیده، پاسخ‌دهی کنشی و واکنشی با چالش جدی مواجه است. پاسخ‌های پیشگیرانه به این جرایم و به ویژه پاسخ‌های مبتنی بر پیشگیری وضعی، کارآمدی لازم را ندارد؛ چون پیشگیری وضعی، بزه دیده مدار است. البته شایان ذکر است که بیشتر تدابیر پیشگیرانه مربوط به جرم پول‌شویی، برعکس سایر جرایم بدون بزه دیده، دارای صبغه پیشگیرانه وضعی است. اما باید توجه داشت که تدابیری چون تعدیل قاعده رازداری بانکی، مستندسازی انتقال وجوه، گزارش مبادلات نقدی کلان و... که دارای صبغه پیشگیرانه وضعی هستند و عمدتاً از سوی بانک‌ها و نهادهای مشابه اعمال می‌شوند هرچند می‌توانند تا حدی کارآمد باشند ولی چون این تدابیر نه از سوی بزه‌دیدگان بلکه از سوی اشخاصی غیر از آنان انجام می‌شوند، نمی‌توانند کارآمدی لازم را داشته باشند. درباره پاسخ‌های پیشگیرانه اجتماعی نیز باید گفت که اصولاً یکی دیگر از ویژگی‌های جرایم بدون بزه دیده را باید در فقدان اجماع یا اتفاق نظر در افکار عمومی درباره قبح کیفری و مجرمانه بودن این رفتارها دانست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

این رویکرد سبب شده تا بسیاری از نهادها، سازمان‌های اجتماعی و سیاسی از ساده‌ترین ابزار یعنی کیفر استفاده کنند. به همین منظور در پایان یا در میان بیشتر لایحه‌های پیشنهادی دولت‌ها مواردی به برشمردن جرایم و مجازات‌ها اختصاص داده می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۸: ش ۴/۳۳۰). طبق بررسی صورت گرفته در بیست سال اخیر در ایران بیش از ۲۷۰ فقره مقررۀ کیفری از سوی مراجع مختلف به تصویب رسیده است. به طوری که بنا به ادعای برخی، در حال حاضر بیش از ۴۰۰۰ هزار عنوان مجرمانه و به اعتقاد برخی دیگر، بیش از ۳۲۰۰ عنوان مجرمانه در قوانین کیفری ایران وجود دارد (شمس ناتری و جاهد، ۱۳۸۷: ش ۱۷/۹۴). این امر در کشورهای دیگر نیز صادق است، برای نمونه در انگلستان از سال ۱۹۹۷ تا کنون حدود ۱۷۵۰ مورد جرم‌انگاری جدید صورت گرفته است (Duff, 2010: 294). مسائل مربوط به تورم کیفری باعث می‌شود که در جرم‌انگاری پول‌شویی به عنوان آخرین راهکار تأمل بیشتری نمود.

در جرم‌انگاری پول‌شویی باید به مقوله دیگری نیز توجه نمود و آن ارتباطی است که بین پول‌شویی با جرایم دیگری چون قاچاق مواد مخدر، تروریسم، قاچاق زنان و

دختران و... وجود دارد. در واقع، پول‌شویی نوعی جرم واسطه‌ای و میانی است (بابایی کنگلو و رستمی غازانی، ۱۳۸۹: ش ۱۱۵/۱۰). به تعبیر دیگر، در پول‌شویی ما از یک سو با جرایمی روبه‌رو هستیم که دارای عوایدی هستند که باید مورد پول‌شویی قرار گیرند و از سوی دیگر با جرایم احتمالی دیگر مواجه هستیم که ممکن است پس از پول‌شویی به وقوع بپیوندند. از این رو مقابله کیفری با پول‌شویی می‌تواند به منزله مقابله با جرایم منشأ<sup>۱</sup> و جرایم پسینی نیز تلقی شود.

نتیجه مقابله با پول‌شویی می‌تواند آن باشد که اولاً انگیزه ارتکاب جرم را در مجرم از بین ببرد؛ چرا که یکی از قوی‌ترین انگیزه‌های ارتکاب جرم انگیزه مالی است و ثانیاً با باقی ماندن مال و درآمد مجرمانه در دست مجرم، احتمال شناسایی و دستگیری وی بسیار بیشتر از زمانی است که او با پاک جلوه دادن آن بزرگ‌ترین عامل ارتباط خود با جرم را از بین می‌برد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۲: ۸۹). از همین جا می‌توان بین جرم‌انگاری پول‌شویی و جرایم مانع یا بازدارنده ارتباط برقرار نمود. جرم بازدارنده یا مانع که در اندیشه‌های کیفری بنام به عنوان یکی از اقدامات مکمل کیفر مطرح شد (برادل، ۱۳۸۸: ۷۰)، بعدها در اندیشه‌های مکتب تحقیقی گسترش یافت. در این جرایم، قانون‌گذار این قبیل اعمال را به خودی خود و صرف نظر از آثاری که ممکن است عملاً به وجود آورند جرم دانسته و نفس عمل را خطری برای نظم اجتماعی به شمار آورده است. تصور قانون‌گذار از جرم دانستن این اعمال پیش از آنکه نتیجه‌ای بر آن مترتب شود دفع حالت خطرناک کسی است که در توافق نخستین با بزه‌کاران یا در گفتار تهدیدآمیز تجلی یافته است تا به این طریق مانع وقوع جرایم سهمگین‌تر شود (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۷۹). از این نوع جرم‌انگاری می‌توان به کنشگری تقنینی جرم نام برد (بابایی، ۱۳۸۸: ۱۱). پاسخ‌های پیشگیرانه اگر پشتوانه کیفر نداشته باشند، امر مهمی نخواهند بود، لذا باید هنگام شکست پیشگیری به این نکته توجه داشت که جامعه، خلع سلاح نیست و سلاح نهایی را که همان مجازات است، در اختیار دارد (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۸). در این میان علاوه بر جرم‌انگاری باید به تعیین کیفر متناسب و همگون با ماهیت این جرم نیز توجه

1. Predicate offences.

نمود. به تعبیر بکاریا «کسی که در صدد است با مال دیگری ثروتمند شود باید شاهد ناچیز شدن ثروت خویش باشد» (بکاریا، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

### ۳. فیلتر کارکردها،<sup>۱</sup> پیامدهای جرم‌انگاری پول‌شویی

در این لایه که به عنوان آخرین مرحله و گلوگاه عبوری است، فرایند جرم‌انگاری تکمیل می‌شود. در واقع در دو صافی پیشین محدودهٔ مداخلهٔ دولت در آزادی‌های فردی مشخص می‌شود و به موجب آن دولت مجاب می‌شود که می‌تواند عملی را ممنوع اعلام کند، اما هنوز یک نکتهٔ ظریف باقی مانده که مربوط به آثار و پیامدهای جرم‌انگاری رفتار است. این مرحله مبتنی بر عقلانیت ابزاری<sup>۲</sup> است که تحلیل هزینه - فایده را در این امر پرمخاطره به حکومت گوشزد می‌کند و او را از انجام اقدامات باطل و بی‌فایده بر حذر می‌دارد (فرح‌بخش، ۱۳۸۹: ۲۱۹).

باید توجه داشت که صرف جرم‌انگاری یک رفتار صرف‌نظر از نوع و ماهیت رفتار در درازمدت می‌تواند منتهی به تضعیف کنترل‌های پیشگیرانهٔ غیر کیفری و به ویژه کنترل‌های پیشگیرانهٔ اجتماعی شود. در واقع با جرم‌انگاری یک رفتار ممکن است این تلقی در جامعه ایجاد شود که صرف مداخلهٔ دولت کفایت می‌کند و دیگر دلیلی برای اقدامات جامعهٔ مدنی وجود ندارد. پیامدهای جرم‌انگاری یک رفتار صرفاً منحصر به مباحث مربوط به سیاست جنایی نبوده و می‌تواند در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... تأثیرگذار باشد (همان: ۲۱۲). جرم‌انگاری یک رفتار به معنای صرف هزینه‌های بیشتر برای نهادهای عدالت کیفری است؛ چرا که این امر از یک سو مستلزم استخدام نیروی انسانی و از سوی دیگر فراهم کردن امکانات مادی برای کشف جرایم و اعمال مجازات است.

اما مهم‌ترین پیامد جرم‌انگاری پول‌شویی، نقض اصل مهم و بنیادین عدالت کیفری یعنی اصل برائت است. اصل برائت کیفری یا فرض بی‌گناهی، یکی از اصول و قواعد عمومی و هدایتگر حقوق جزا و برخاسته از ارزش‌های والای انسانی و اخلاقی است

1. Pragmatics filter.
2. Instrumental rationality.

که علی‌رغم شدت و ضعف آن مورد استناد بیشتر مذاهب و سیره عقلا در طول تاریخ قرار گرفته و مفهوم واقعی این اصل حفظ ارزش و کرامت انسان و مصونیت از تعرض به حریم مقدس انسانیت است (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۸۲). در اهمیت این اصل این گفته کفایت می‌کند که فرایند دادرسی‌های کیفری بر پایه پذیرش فرض برائت متهمان استوار است و در صورت نفی این فرض، دیگر نیازی به تدوین مقررات ناظر به رسیدگی و محاکمه نیست (آشوری، ۱۳۷۶: ۳). بررسی مقررات مربوط به پول‌شویی کشورهای مختلف و کنوانسیون‌های بین‌المللی حاکی از نوعی عدول از اصل برائت و لوازم آن است. اصل برائت به عنوان بدنه اصلی ساختار دادرسی کیفری دارای لوازمی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ضرورت ارائه ادله مربوط به تقصیر متهم از سوی دادستان اشاره کرد و این اثبات علاوه بر آنکه شامل عنصر مادی است شامل عنصر معنوی جرایم نیز می‌شود.

مشکلات مربوط به اثبات «قصد مجرمانه عامل» و اثبات «شناخت و آگاهی مجرم از اموال بازیابی شده» در پول‌شویی موجب تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ش ۱/۲۸۹). بر همین اساس در مواردی که متهم نتواند مبنای مشروع اموال خود را نشان دهد، محکوم به پول‌شویی خواهد شد. هرچند در نظام‌های قضایی مختلف، اشتباهات قضایی امری اجتناب‌ناپذیر است، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت می‌تواند منجر به افزایش اشتباهات قضایی شود؛ امری که در طولانی‌مدت می‌تواند عملکرد نظام قضایی را زیر سؤال ببرد و این امر باید به عنوان یکی از هزینه‌ها و پیامدهای جرم‌انگاری پول‌شویی مدنظر قرار گیرد.

البته برخی بر آن‌اند که رویکرد اتخاذی در اثبات جرم پول‌شویی را نمی‌توان به عنوان «اماره مجرمیت» و قرار دادن آن در قبال «اصل برائت» دانست و در مقام تحلیل، اصل برائت را به عنوان یکی از بدیهی‌ترین اصول شناخته‌شده حقوق بشری دانسته‌اند که در اسناد مهم بین‌المللی تجلی یافته و می‌توان ادعا کرد که از قواعد آمره بین‌المللی است (سلیمی، ۱۳۸۱: ش ۶/۱۴۹). هرچند در بدیهی بودن اصل برائت تردیدی نیست و به تبع باید لوازم آن از جمله لزوم اثبات عناصر جرم از سوی دادستان و تفسیر شک به نفع متهم را پذیرفت، نفی لوازم یک امر به معنای خدشه به خود آن نیز تلقی

می‌شود. البته برخی معتقدند که مبنای عدول از اصل برائت، در بسیاری از موارد دقیقاً همان مبنایی است که حاکمیت اصل برائت در امور کیفری را توجیه می‌کند (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ش ۱/۲۹۱). مطابق این نظر آن گونه که عدالت حقوقی اقتضا می‌کند که در صورت نبودن دلیل برائت و بی‌گناهی، متهم باید محاکمه شود، در موارد خاصی نیز که وجود قراین، ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است. پذیرش دلایل مجرمیت متهم در مواردی که این ادله نمی‌توانند به صورت یقینی (یقین عرفی) این مجرمیت را ثابت کنند چیزی جز نقض اصل برائت نیست. البته در توجیه جرم‌انگاری پول‌شویی در نظام حقوقی ایران می‌توان برای نمونه به موازین فقهی و تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در مورد لوٹ در قتل و جراحات اشاره کرد.

### نتیجه‌گیری

پول‌شویی که عملیات تصفیه پول‌های نامشروع و کثیف حاصل از اعمال مجرمانه است به شیوه تزریق در چرخه اقتصادی و سرمایه‌گذاری در نهادهای مختلف اقتصادی با پوشش‌های تجاری مشروع تحقق می‌یابد. قانون‌گذار ایرانی، ضرورت جرم‌انگاری این عملیات را به پیروی از رویکرد جهانی احساس کرده و نهایتاً در سال ۱۳۸۶ قانون مبارزه با پول‌شویی و در سال ۱۳۸۸ آیین‌نامه اجرایی آن را تصویب کرده است. پول‌شویی با توجه به آثار پنهانی که در اقتصاد دارد به راحتی برای شهروندان جامعه ملموس نیست و قانون‌گذار با توجه به مباحث کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، آن را جرم‌انگاری کرده است.

در این میان، توجه به دلایل جرم‌انگاری یک پدیده آن هم پدیده‌ای مانند پول‌شویی که شاید خیلی از مردم تصور دقیقی از آن و آثار آن ندارند شایان توجه است. از میان مدل‌های مشهور ارائه‌شده برای فرایند جرم‌انگاری، مدل پالایش یا صافی است که جاناناتان شنشک، فیلسوف معروف حقوق کیفری آن را عرضه داشته است. طبق این مدل، یک رفتار برای اینکه دلایل قانع‌کننده‌ای برای جرم‌انگاری داشته باشد باید به طور موفقیت‌آمیزی از فیلترهای سه‌گانه عبور کند. این فیلترها عبارت‌اند از: فیلتر

اصول، فیلتر پیش فرض‌ها و فیلتر کارکردها. بر اساس فیلتر اصول، رفتار باید اصول اساسی یا مورد احترام اکثریت جامعه را نقض کند. هر قدر اصول نقض شده اهمیت بیشتری داشته باشد، جرم‌انگاری رفتاری که آن اصول را نقض می‌کند، توجیه قوی‌تری خواهد داشت. طبق این فیلتر، پدیده پول‌شویی به نحو قابل ملاحظه‌ای اصول جامعه را بر هم می‌زند، اصل ضرر که در متن تبیین شد، اشاره به مهم‌ترین اصلی دارد که مبنای اصلی سیستم جرم‌انگاری کشورهای لیبرال را به خود اختصاص داده است. طبق این اصل، پول‌شویی به مالکیت مردم در جامعه آسیب‌های بسیاری وارد می‌کند. در واقع ضرری که تزریق پول‌های نامشروع در قالب پوشش‌های تجاری مشروع در جامعه وارد می‌آورد عرصه اقتصاد را به چالش می‌کشد. فرارهای مالیاتی و پول‌های بادآورده سبب می‌شود که فضای رقابتی جامعه به هم خورده و اقتصاد در انحصار شبکه‌های مافیایی درآید. اصل دوم که مداخله دولت را در جرم‌انگاری پول‌شویی توجیه می‌کند، اصل امنیت است. به دلیل آثار پنهان پول‌شویی که در گستره اجتماع خود را نشان می‌دهد اصل امنیت که دولت‌ها خود را مکلف به پاسداشت آن می‌دانند، توجیه‌گر جرم‌انگاری پول‌شویی است. به هم خوردن امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که از اثرات پول‌شویی است، دیگر بهانه‌ای برای مخالفت با جرم‌انگاری پول‌شویی باقی نمی‌گذارد. فیلتر دوم در مدل جرم‌انگاری پالایش، فیلتر پیش فرض‌هاست. این فیلتر بیانگر تلاش و اهتمام دولت در به کارگیری ابزارهای غیر کیفری برای پیشگیری از رفتار مجرمانه است. یعنی زمانی دولت‌ها می‌توانند به جرم‌انگاری که با ابزار کیفری تضمین می‌شود، روی آورند که به نحو مؤثری در به کارگیری ابزارهای غیر کیفری در مبارزه با آن رفتار تلاش کرده باشند. پول‌شویی نیز از این فیلتر به راحتی عبور می‌کند؛ زیرا به کارگیری ابزارهای غیر کیفری در مبارزه با پول‌شویی زمانی می‌تواند مفید واقع شود که پشتوانه قانونی داشته باشد. در واقع آنچه جرم‌انگاری پول‌شویی را در این فیلتر توجیه می‌کند مبنای توجیه جرم‌انگاری خرید اموال مسروقه نیز هست. این جرم که جزء جرایم مانع محسوب می‌شود، به این خاطر جرم‌انگاری می‌شود که از وقوع جرایم دیگری که وابسته به آن است، جلوگیری شود. در این مورد پول‌شویی نیز که باعث تسریع گردش مالی مجرمان حرفه‌ای می‌شود سبب ازدیاد سرمایه‌گذاری در جرایم منشأ

و تداوم آن‌ها می‌شود که جز از طریق جرم‌انگاری نمی‌توان با آن مبارزه کرد.

فیلتر سوم، فیلتر کارکردهاست که به معنای برتری منافع جرم‌انگاری در مقایسه با زیان‌های آن است. در این فیلتر این موضوع بررسی می‌شود که آیا جرم‌انگاری یک پدیده آثار مثبتی دارد یا آثار منفی؟ و در صورت داشتن هر دو اثر، آیا آثار مثبت بر آثار منفی آن غلبه می‌کند یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت بود، جرم‌انگاری توجیه می‌شود. در این مرحله هم با توجه به ارزیابی پیامدهای جرم‌انگاری پولشویی می‌توان مجوز این مرحله را اخذ کرد. جرم‌انگاری پولشویی آثار مثبتی نسبت به جرم‌زدایی آن دارد. در واقع در این مرحله همه‌آثاری که برای پولشویی شمرده شدند، صرفاً در مقابل نقض اصل برائت قرار می‌گیرند. ولی با توجه به مواردی که اماره مجرمیت بر اصل برائت تقدم می‌یابد این مشکل هم حل می‌شود. بنابراین در برخی مواقع که اصلی مهم‌تر یعنی حفظ کیان جامعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مطرح است و منافع بسیاری از مردم با منافع تعداد اندکی سودجو معارضه می‌کند، دیگر جایی برای طرح اصل برائت نمی‌ماند؛ همان‌گونه که در فقه اسلامی در تحقق لوث در قتل یا جراحات از اصل برائت عدول شده و اثبات بی‌گناهی را بر عهده متهم گذاشته است. مانند این موارد، در جرایم سازمان‌یافته یا تروریستی که جان و مال و رفاه بسیاری از مردم در میان است، به دلیل اهمیت موضوع می‌توان جرم‌انگاری پولشویی را به مثابه عدول از اصل برائت و تقدم اماره مجرمیت دانست.

در پایان با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره اصول اولیه جرم‌انگاری پولشویی و جرم‌انگاری آن به عنوان آخرین تدبیر سیاست جنایی و لزوم در نظر گرفتن عوارض و پیامدهای ناشی از آن، باید گفت که امروزه رویکرد بین‌المللی به سمت جرم‌انگاری پولشویی سوق پیدا کرده است و این امر ریشه در آسیب‌های جدی‌ای دارد که از این جرم، متوجه امنیت جهان در ابعاد مختلف آن می‌شود. پولشویی وسیله‌ای برای ادامه جرایم تروریستی و سازمان‌یافته تلقی می‌شود. ترس احساس شده از وقوع جرایم تروریستی و سازمان‌یافته توسط کشورها علاوه بر آنکه زمینه را برای جرم‌انگاری آن فراهم نموده، یک عرف بین‌المللی (البته نه به معنای عرف الزام‌آور بین‌المللی) را برای جرم‌انگاری آن فراهم کرده است. جرم‌انگاری پولشویی به عنوان یک جرم مستقل و

مجزا از جرم اصلی و اولیه در عین حال که می‌تواند متکی بر اصول اخلاقی باشد، در رویه کنونی کشورها و رویکرد بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی بیشتر بر مصالح استوار است و همین مصلحت‌گرایی‌ها موجب تعمیم جرم پول‌شویی به موارد صرفاً مشکوک شده است.

## کتاب‌شناسی

۱. آشوری، محمد، *عدالت کیفری*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶ ش.
۲. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، چاپ سوم، تهران، میزان، ۱۳۸۱ ش.
۳. اسعدی، سیدحسین، «نقش فرایند پول‌شویی و مصادره اموال در روند قاچاق مواد مخدر»، *مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی*، تهران، وفاق، ۱۳۸۲ ش.
۴. بابایی، محمدعلی، «کنش گری جرم»، *تازه‌های علوم جنایی*، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۵. بابایی کنگلو، جابر و امید رستمی غازانی، «پیشگیری از جرم پول‌شویی با نگاهی به سیاست جنایی تقنینی ایران»، *مجله کارآگاه*، شماره ۱۰، ۱۳۸۹ ش.
۶. بکاریا، سزار، *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ پنجم، تهران، میزان، ۱۳۸۶ ش.
۷. بازارکاد، بهاء‌الدین، *تاریخ فلسفه سیاسی*، چاپ چهارم، تهران، جاودانه، ۱۳۷۶ ش.
۸. پرادل، ژان، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، چاپ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۸۸ ش.
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر و امیرحمزه زینالی، «درآمدی بر محدودیت‌های عملی جرم‌انگاری»، *نامه مفید*، شماره ۱، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. رهامی، محسن و دیگران، *جرایم بدون بزه دیده*، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. ساکی، محمدرضا، *آشنایی با جرم پول‌شویی*، تهران، جاودانه، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. سلیمی، صادق، «تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و لایحه پول‌شویی»، *مجله الهیات و حقوق*، شماره ۶، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. شاملو، باقر، «اصل برائت در نظام‌های دادرسی نوین دادرسی»، *علوم جنایی*، به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
۱۴. شمس ناتری، محمدابراهیم و علی جاهد، «عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن»، *فصلنامه تخصصی فقه و حقوق*، شماره ۱۷، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، «اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری»، *علوم جنایی*، به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. همو، «جرایم سازمان‌یافته»، *مجله فقه و حقوق*، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۳ ش.
۱۷. عزیزنژاد، صمد و سعید توتونچی ملکی، «پول‌شویی و آثار آن بر اقتصاد ملی»، *مجله مجلس و پژوهش*، سال چهاردهم، شماره ۵۸، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. فرح‌بخش، مجتبی، *تأثیر فایده‌گرایی بر جرم‌انگاری*، پایان‌نامه دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. فروغی، محمدعلی، *سیر حکمت در اروپا*، تهران، هرمس، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. گسن، ریموند، *جرم‌شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۰ ش.
۲۱. لوی برون، هانری، *جامعه‌شناسی حقوق*، ترجمه سیدابوالفضل قاضی، چاپ یازدهم، تهران، میزان، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. محمودی جانکی، فیروز، «امنیت و ناامنی از دیدگاه سیاست جنایی»، *مجله دیدگاه‌های حقوقی*، شماره هشتم، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. همو، «جرم‌زدایی به منزله یک تغییر»، *فصلنامه حقوق*، شماره ۴، ۱۳۸۸ ش.

۲۴. همو، مبنای، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری، پایان‌نامه دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. همو، «مبنای فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سی و هفتم، شماره ۱، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. میرمحمدصادقی، حسین، «پول‌شویی و ارتباط آن با جرایم دیگر» همایش بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی، تهران، وفاق، ۱۳۸۲ ش.
۲۷. همو، حقوق جزای بین‌الملل، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۶ ش.
۲۸. همو، حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، چاپ دهم، تهران، میزان، ۱۳۸۲ ش.
۲۹. میل، جان استوارت، درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۳۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، رویکرد نزه‌دیده‌شناختی به نزه‌های بدون نزه‌دیده، تهران، میزان، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. وکیو، دل، فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۶ ش.
32. Bentham, Jeremy, *Introduction to the Principle of Morals and Legislation*, Oxford, Oxford University Press, 1997.
33. Duff, R.A, "A Criminal Law for Citizens", *Theoretical Criminology*, Vol. 14, 2010.
34. Elliott, Catherine & Quinn Frances, *Criminal Law*, Oxford, Oxford University Press, 2003.
35. Feinberg, Joel, *Harm to Others*, Oxford, Oxford University Press, 2005.
36. Kenawy, Ezzat Molouk, "The Economic Effects of the Money Laundering Phenomenon with Reference to Egypt", *Journal of Applied Science Research*, Vol. 2(2), 2002.
37. Quirk, Peter J., A National of New Zealand, Is an Advisor in The IMF'S Monetary and Exchange Affair Department, 1997.
38. Schonsheck, Jonathan, *On Criminalization: An Essay in the Philosophy of Criminal Law*, Kehl, Strasburg, Engel Publisher, 1994.